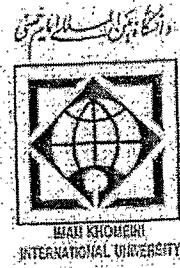


1935

۸۷/۱/۱۰۵۹۱

۸۷/۱۲/۱۰



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
دانشکده علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تصحیح قرابادین حکیم شفائی

استاد راهنما:

دکتر محمد شفیع صفاری

استاد مشاور:

دکتر رضا سمیع زاده

نگارش:

ناصر چک نژادیان

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۸

۱۰۹۳۵۷

اداره اطلاعات مرکز علمی زبان
تهران

بسمه تعالی

دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

جلسه دفاع از پایان نامه آقای ناصر چک نژادیان دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی با عنوان تصحیح قرابادین حکیم شفائی در روز شنبه ۱۳۸۶/۱۱/۲۰ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) تشکیل گردید و با نمره ۱۹ و درجه عالی مورد تایید هیات داوران قرار گرفت.

استاد راهنما:

دکتر محمد شفیع صفاری

استاد مشاور:

دکتر رضا سمیع زاده

داور خارج:

دکتر سیدخلیل قافله باشی

داور داخل:

دکتر محمد رضا برزگر خالقی

نماینده تحصیلات تکمیلی

دکتر محمد تقی آذرمینا



تقدیم به علامہ نحریر زندہ یاد عباس زریاب خوبی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
سه	۱- چکیده.....
چهار- یازده	۲- مقدمه.....
دوازده- بیست و چهار	۳- تصویر عکسی نسخه های خطی.....
بیست و پنج	۴- راهنمای آوانگاری فرهنگ لغات.....
۲۲۸-۱	۵- متن.....
۲۶۱-۲۳۰	۶- فرهنگ لغات.....
۲۶۳-۲۶۲	۷- فهرست منابع و مأخذ.....
۲۸۵-۲۶۵	۸- نمایه.....

چکیده

باسمه تعالی

مظفر بن محمد حسینی کاشانی ملقب به حکیم شفایی از داروسازان بنام عصر صفوی است. اثر معروف وی قرابادین نام دارد. این اثر رساله ای است در طب سنتی که در آن داروها به ترتیب حروف تهجی الفبایی شده است. شیوه مؤلف در این رساله بدین گونه است که در آغاز نام دارو را می نویسد و پس از آن به خاصیت دارویی و روش تهیه آن می پردازد.

از نظر سبک شناسی کلمات یونانی، پهلوی، سریانی، سنسکریت و عبری در این رساله فراوان به کار رفته است و این امر البته بدان دلیل است که طب اسلامی تلفیق وام تراجمی از طب یونانی، پهلوی، سریانی و سنسکریت می باشد و از طرفی زبان علمی دوران اعتلای تمدن اسلامی به ویژه در رشته طب و فلسفه زبان عربی بوده است.

امروزه با محرّز شدن عوارض جانبی داروهای شیمیایی رویکرد جدیدی به گیاهان دارویی و بعضاً طب سنتی شده است. نگارنده این سطور با عنایت به همین رویکرد و این که تصحیح علمی این گونه متون عصر صفوی تاکنون وجهه همت کسی قرار نگرفته است با جمع آوری نسخه های خطی قرابادین حکیم شفایی به امید استفاده از تجربه حکمای قدیم به تصحیح یکی از این رساله ها با توشیه، تعلیقات و فرهنگ لغات اقدام نموده است.

تصحیح این متن بر اساس نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (م) مورخ ۱۰۷۴ هـ.ق صورت گرفت و نسخه بدل ها به ترتیب زمان کتابت به شرح زیر است:

نسخه «د» مورخ ۱۰۸۳ هـ.ق ، نسخه «س» مورخ ۱۰۸۴ هـ.ق ، نسخه «دن» مورخ ۱۰۸۴ هـ.ق ، نسخه «ل» مورخ ۱۰۹۲ هـ.ق ، نسخه «دا» مورخ قرن ۱۱ هـ.ق.

واژگان کلیدی: حکیم شفایی، طب سنتی، قرابادین

مقدمه

از دیرباز پزشکی به صورت ابتدایی وجود داشته است. در آغاز، معالجات پزشکی بیشتر با ادعیه و اوراد توسط جادوگران و کاهنان انجام می گرفت، به طوری که یکی از معانی که برای طب در «مقدمه کشف اصطلاحات الفنون» ذکر شده «سحر» است. به مرور زمان و با پیشرفت تمدن، طب از خرافات و موهومات رهایی یافت و نگاه علمی به طب و استفاده از ادویه و گیاهان دارویی در معالجات، جایگزین خرافات شد. این نگاه علمی به طب با یونانیان آغاز شد و سایر ملل به تبعیت از یونانیان پیشرفت هایی در این زمینه حاصل کرده اند.

ایرانیان نیز به عنوان ملتی متمدن از یونانیان تأثیر پذیرفتند و رونق طب در ایران مدیون وام گیری از یونانی ها است. در دربار هخامنشیان و ساسانیان، طبیبان یونانی مورد اعتماد تمام بودند و با آنها در نهایت احترام و عزت برخورد می شد.^۱ واقعه فرخنده دیگری که موجب رونق طب در ایران و توسعه و پیشرفت عظیم مدرسه جندی شاپور شده است «نتیجه غیر قابل انتظار ویلا تعمد عمل تعصب آمیز و بر نتافتن آراء و عقاید دیگران در حکومت روم شرقی یا بیزینته بود که در قرن پنجم میلادی، نسطوریان را از مدرسه «ادس»^۲ راندند و آنان ناچار به قلمرو ایران پناه بردند.^۳ با این دانشمندان و فلاسفه که در دوران شاپور اول و شاپور دوم و پس از آنها انوشیروان وارد ایران شدند در نهایت خوش رفتاری برخورد شد و حاصل این تدبیر صواب، اعتلا و شکوفایی دانش و به خصوص طب در مکتب جندی شاپور و ترجمه های بسیار از یونانی به پهلوی شده است.

تمدن دیگری که سهم به سزایی در اعتلای طب دارد، تمدن اسلامی است. در دوره اسلامی تحت تاثیر نهضت ترجمه، کتابهای فراوانی از یونانی، پهلوی، سریانی و سنسکریت به عربی ترجمه شده است. در این دوره اندک اندک از اهمیت مرکز جندی شاپور کاسته شد و بغداد مرکز علمی جدید شد.

در دوران خلفای عباسی، توجه به علوم به خصوص فلسفه - که طب نیز جزوی از آن بود - آنچنان بود که عصر هارون الرشید، عصر زرین نامیده شد. از میان خلفای عباسی، خلیفه دوم - منصور - و خلیفه هفتم - مامون - حمایت های بی دریغ از دانشمندان و به خصوص اطبا می کردند و مبالغه هنگفتی به عنوان حق الزحمه یا حق المعالجه به آنان می پرداختند.

طب اسلامی حاصل تلفیق و امتزاج طب یونانی، ایرانی، هندی، نسطوری ها، صابئین و در درجه بسیار پایین تر، طب عربی است. بی هیچ تردیدی همین تساهل و آزاداندیشی در استفاده از منابع خارجی - به طوری که معروف است حارث ابن

۱- دموکدس (Demokedes) پزشک داریوش اول؛ اپولونیدس پزشک اردشیر اول هخامنشی؛ کیزپاس - سورخ معروف - و بولو کریتس پزشکان اردشیر دوم؛ تئودوروس (یا

تودوسیوس) پزشک شاپور دوم از جمله این طبیبان در دربار هخامنشیان و ساسانیان بودند (رک. مجله شیر و خورشید سرخ، مقاله سید حسن تقی زاده، شماره ۹، سال ۱۳۲۷، ص ۲۰۳)

کلده طیب پیامبر برخی از منابع یونانی را مطالعه کرده - عامل اصلی به وجود آمدن این عصر طلایی بوده است و ما نتیجه این دوره درخشان را در سده های بعدی به وضوح مشاهده می کنیم در این سده هاست که در ایران دانشمندان بزرگی نظیر ابومنصور موفق هروی، علی ابن ربن طبری، زکریای رازی، ابوبکر اخوینی و ابوعلی سینا آثار سترگی مانند الابنیه عن الحقایق الادویه، فردوس الحکمه، هدایه المتعلمین فی الطب، الحاوی و قانون را تالیف می کنند. رازی به کشف بیماری «سرخک» نایل می آید و ابوعلی سینا که در غرب به لقب «شهریار اطبا» معروف است، بیماری «منتریت» را تشخیص داد. به گفته دکتر نصر «کتاب قانون او بی شک مشهورترین اثر در میان تمام کتابهایی است که از بقراط و جالینوس تا کنون در طول تاریخ طب در این زمینه نگارش یافته است»^۱

پیشرفت طب در دوره اسلامی به حدی بوده است که «طب اسلامی مبنای طب غربی قرار گرفت و این اتکا و ایتنای طب غربی بر طب اسلامی آنچنان بود که وقتی شخصیت شمایل شکنی مثل پاراسلسوس^۲ می خواست بر ضد روشهای طب سنتی قیام کند و علم طب جدیدی تاسیس نماید، کتاب قانون ابن سینا را به عنوان نماد طب سنتی [غرب] در شهر بال سوئیس در آتش فکند»^۳

آنچه در زمینه داروسازی باید گفت این است که داروسازی در آغاز، جدا از طب نبوده است و تاریخچه ای همپای طب دارد و همان سیر تحولی که برای طب بیان کردیم طی کرده است. این رشته نیز در آغاز با موهومات و خرافات آمیخته بود. قدیمی ترین اثری که در آن فهرست داروها آمده است سنگ نبشته ای است از بابل قدیم متعلق به (۱۷۰۰ ق م). نگاه علمی به این رشته نیز مانند طب با یونانیان آغاز شده است. نخستین رساله غربی در داروسازی «ماتریا مدیکا»^۴ دیوسکوریدس است که بعدها ترجمه آن به زبان عربی موجب تحول اساسی در داروسازی مسلمین شده است.^۴

ادوارد براون معتقد است: «مسلمانان در رشته شیمی و مواد دارویی بیشتر از دیگر رشته ها بر آنچه از یونانیان به ارث به آنان رسیده بود، افزوده اند»^۵

کهن ترین اثر زبان فارسی که به داروسازی اختصاص دارد «الابنیه عن الحقایق الادویه» ابومنصور موفق هروی است که نسخه ای از آن به خط اسدی توسی به دست ما رسیده است. از دیگر آثار فارسی قابل ذکر، کتاب ارجمند ذخیره خوارزمشاهی (تالیف ۵۰۴ هـ. ق) می باشد. ادوارد براون معتقد است این کتاب اولین اثر طبی مشروح است که به جای عربی به فارسی نوشته شده است و از نظر وسعت مباحث و حجم کار اگر از قانون ابن سینا بیشتر نباشد با آن برابر است.^۶

قرابادین

ادویه (= داروها) بر دو نوع اند: ادویه مفرده و ادویه مرکبه.

ادویه مفرده: داروهایی ساده نامیده می شود که ترکیب آنها ساختگی نباشد.^۷ به عبارت دیگر «به داروها در حالت ساده

۱- نصر، سید حسن، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، طرح نو، ص ۱۴۸

2-Paracelsus(1493-1541)

۳- همان، ص ۱۵۳

۴- رک. انوشه، حسن، فرهنگنامه ادبی فارسی، ذیل داروشناسی و داروسازی در ادب فارسی

۵- براون، ادوارد، تاریخ طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، ص ۴۸

۶- رک. همان، ص ۱۳۵

و طبیعی آنها مربوط می شود.^۱

گراستنگ ترین اثر اسلامی در ادویه مفرده به اقرب احتمال الصیدنه ابوریحان بیرونی است که در آن بیش از ۴۵۰۰ نام گیاه، جانور، کانی و محصولات به دست آمده از آنها گرد آمده است. نام این داروها در الصیدنه به زبانهای عربی، فارسی، یونانی، سریانی، هندی، لاتین، خوارزمی، سغدی و گویش‌هایی مانند سجستانی و زابلی آمده است. در ضمن ۲۸۰ اصطلاح در این کتاب آمده که منشا آنها ناشناخته است. ابوریحان در الصیدنه به خاصیت دارویی گیاهان، کانی‌ها و... اشاره نکرده است و اثر او بیش از هر چیز از نظر فقه اللغه اهمیت فوق العاده دارد.^۱

ادویه مرکبه: «به داروها به معنی امروزین آنها اختصاص داشت و اغلب زیر عنوان قرابادین مورد بحث قرار می گرفت.»^۲

قرابادین/قراباذین/اقراباذین (از اصل سریانی برگرفته از گرافیدین یونانی به معنی رساله کوچک)؛ در میان مسلمانان بخشی از پزشکی بود که درباره اجزای داروها و ترکیبات هر کدام بحث می کرد و نیز عنوان کتابها و رسالاتی بود که در زمینه شناخت داروها و ترکیبات هر کدام نوشته می شد.^۳ این اصطلاح معرب یونانی (pharma kopoia) به «مجموعه دستورهای تهیه داروها» اطلاق شد و همان ادویه مرکبه یا نسخه پزشکی به اصطلاح امروزی است. از تالیفات که به قرابادین اختصاص داشت یا با عنوان قرابادین نوشته شده است می توان به قرابادین شاپور بن سهل جندی شاپوری، قرابادین کیندی، دو قرابادین صغیر و کبیر محمد زکریای رازی، کتاب پنجم قانون ابن سینا و در سده های بعدی به خصوص در دوره صفویه قرابادین شفایی کاشانی، قرابادین عماد طیب موسوم به «مرکبات الشاهیه» به نام شاه تهماسب و به زبان عربی، قرابادین قادری شاه ارزانی، قرابادین معصومی از معصوم بن کریم الدین شوشتری شیرازی (زمان تالیف ۱۰۵۹ هـ.ق)، قرابادین حکیم محمد باقر (قرن ۱۲ هـ.ق) و... اشاره کرد.^۴

در دوره صفویه همان طوری که فرهنگ نویسی رشد و رونق چشمگیری داشته است، در زمینه طب داروشناسی نیز کتاب های زیادی نگارش یافته است. کتاب هایی که در این دوره در زمینه داروشناسی نوشته شده، اغلب عنوان قرابادین دارد و همان ایرادهایی که بر فرهنگ نویسی عصر صفوی وارد است بر این کتاب ها نیز وارد می باشد. این کتاب ها اغلب مطلب تازه ای ندارند بلکه نوعی رونویسی از روی کتاب های قانون ابن سینا، ذخیره خوارزمشاهی و دیگر کتاب های هم موضوع می باشند و تصحیف خواندن های فراوانی در آن ها وجود دارد. موضوع شایان ذکر دیگر این است که قرابادین های زیادی به صورت نسخه خطی در کتابخانه های ملی، مجلس و مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد که نام مولف آنها ذکر نشده است. نیز پاره ای از کتاب ها مانند ذخیره خوارزمشاهی، اختیارات بدیعی و تحفه حکیم مومن هستند که هم به ادویه مفرده و هم به ادویه مرکبه (=قرابادین) اختصاص دارند و ما به جهت احتراز از تطویل کلام از ذکر آنها خودداری کرده ایم.

سبک شناسی

از نظر سبک شناسی چنان که در چکیده یاد آور شدیم کلمات یونانی، پهلوی، سریانی، سنسکریت و عربی در این رساله

۱- ر.ک. انوشه، حسن، فرهنگنامه ادبی فارسی، ذیل داروشناسی و داروسازی در ادب فارسی

۲- همان

۳- بیرونی، ابوریحان، الصیدنه فی الطب، تصحیح اوای کریموف، ترجمه باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۴۲ و ۴۳

۴- ر.ک. انوشه، حسن، فرهنگنامه ادبی فارسی، ذیل داروشناسی و داروسازی در ادب فارسی

۵- ر.ک. همان، ذیل داروشناسی و داروسازی در ادب فارسی

فراوان به کار رفته است و این امر البته بدان دلیل است که طب اسلامی تلفیق و امتزاجی از طب یونانی، پهلوی، سریانی و سنسکریت می باشد و از طرفی زبان علمی دوران اعتلای تمدن اسلامی - به ویژه در رشته طب و فلسفه - زبان عربی بوده است امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است. با توجه به این که این رساله شامل نسخه های پزشکی است و بحث درازدامنی از لحاظ سبک شناسی نحوی نمی توان انجام داد بلکه آنچه در چنین رساله ای به لحاظ سبک شناسی اهمیت دارد و باید به آن پرداخته و واژگان است در زیر اشاره مختصر به این مقوله خواهیم پرداخت.

۱- **واژگان یونانی**: آبنوس معرب آبانس یونانی است از (آپتوس، اینوس) = *ebony* (آناسیا، ارسطون، اصطخیقون) (استمخیکون)، آسقوردیون، اصطفطیقان، اطریفیل (معرب یونانی *trupheron*)، افسنتین، افیون (آپی ئین)، اقلیمیا، امروسیا، ایلاوس (ای لا اُس) و ...

۲- **واژگان سنسکریت**: بیشتر گیاهانی که در افاویه و عطرها به کار می روند ریشه ای سنسکریت دارند مانند هلیله (*haritaki*)، آمله (معرب سنسکریت *amalaka*)، بلبله، هال (هیل در فارسی و قاقله صغار در عربی) فلفلمویه (از سنسکریت *pippālmī-mul*) و ...

۳- **واژگان پهلوی**: گشنیز (پهلوی *gišič*)، هوم المجوس (سنسکریت *soma*)، اوستا *haoma*، پهلوی *hōm*)، بهمین و ...

۴- **سریانی**: قردمانا = قردمانی = قردمانه = قرطمانا = (معرب سریانی شده یونانی *kardāmomon*) و ...

۵- **واژگان عربی**: اجصاص، آکله، اترج، اجفان، احتباس طمٹ، احلیل، احشاء، اُرز، اخلاط لزجه، اختلاج و ... و حتی به کلمات شاذ و نادری مانند عذیوط نیز در این متن به کار رفته است.

مؤلف و اثر او

مظفر بن محمد حسینی کاشانی ملقب به «حکیم شفایی» (متوفی ۹۶۳ ه. ق.) یکی از مشهورترین داروسازان دوره شاه عباس صفوی است. معروف ترین اثر وی «طب شفایی» یا «قرابادین شفایی» است. این کتاب، فرهنگ دارویی است و شیوه الفبایی آن بدین صورت است که **مؤلف** داروهارا بر حسب حروف الفبایی اول و دوم نام آنها مرتب ساخته است. اما گاهی در ترتیب الفبایی حرف دوم نیز رعایت نشده است (رک. صص ۱۰۹ و ۱۱۱) در ترکیبات نیز فقط حرف اول و دوم جزء اول ترکیب رعایت شده است.

نویسنده در آغاز این رساله می گوید: «در مدت مدید، ترکیبی چند که در معالجات امراض از آن گریز نبود و جمع کرده بود، خواست که در سلک ترتیب آورد و بعضی از مرکبات مناسبه در هر باب از کتب موثوقه منقول علما و حکمای متقدمین و متاخرین منتخب و مترجم نموده به آن منضم کرده تا کتاب جامع و مستغنی از سایر قرابادینات باشد و به ترتیب تهجی مرتب ساخت.»^۱

دکتر سیریل الگود در این زمینه می نویسد معروف ترین داروساز دوره شاه عباس صفوی به احتمال زیاد مظفر بن محمد حسینی شفایی بود که یک کتاب داروسازی تالیف کرد. این کتاب که در سال ۱۵۵۶ میلادی نوشته شد از نظر تنظیم مطالب شبیه آثار انصاری است و داروهای آن به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است. اهمیت و تازگی آن در مطالب و مندرجاتش نیست، زیرا با کتاب های قبلی تفاوت اندکی دارد؛ بلکه در حقیقت از این لحاظ است که پایه «فارما

کوپتا پرسیکا» نوشته «فردریک آنژ لوس» یعنی نخستین اروپایی است که طب ایران را مورد بررسی قرار داده است.^۱ این کتاب را یکی از عالمان دینی ترسا به نام «آنژ دوسن ژوزف» اهل تولوز تحت عنوان فارما کوپتا پرسیکا (pharma copoea persica) ترجمه کرده و به سال ۱۶۸۱ میلادی در پاریس به چاپ رسانده است.^۲ همچنین «فوناهن» در کتاب خود به نام «oukkn kunde» خلاصه ای از قرابادین شفایی را ذکر نموده است.^۳

معرفی نسخ

از قرابادین حکیم شفایی نسخه های خطی فراوانی در کتابخانه های ملی، مرکزی دانشگاه تهران، آیت الله مرعشی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. در تصحیح متن حاضر از شش نسخه خطی قرن ۱۱ استفاده شد. در ذیل شرح این نسخه ها خواهد آمد و نیز اشاره ای مختصر به سایر نسخه های خطی که در تصحیح متن حاضر از آن استفاده نشده است خواهد شد.

نسخه م: نسخه ای است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۶۰۷۷/۱ (در پایان میکروفیلم ۶۰۷۸) نگهداری

می شود. این نسخه از نظر تاریخ، قدیمی ترین نسخه موجود بعد از نسخه شماره ۲۰۷۸ کتابخانه ملی است و در ۱۴ سوال ۱۰۷۰ هـ. ق. در قندهار کتابت شده است.

این نسخه ۱۱۳ ورق دارد، از ورق ۴۲ تا ۴۸ آن تکراری است، خط آن نستعلیق است و هر صفحه آن ۱۹ سطر دارد و در پایان نسخه چند ورق در خواص عرق گوگرد آمده است.

نسخه «م» نسخه ای کامل و معتبر است که در تصحیح متن حاضر، نسخه اساس قرار گرفته است.

خصایص املائی نسخه «م»

- ۱- «ب» تاکید یا زینت را که بر سر افعال می آید در بیشتر موارد جدا می نویسد مانند «به نشاند»، «به برد».
 - ۲- در موارد بسیار زیادی، پاره ای از حروف، بی نقطه نوشته شده است.
 - ۳- کلماتی مانند «لادن»، «بادرنجوبیه» و «خیسانند» در موارد اندکی به صورت قدیمی «لاذن»، «باذرنجوبیه» و «خویسانند» کتابت شده و به اقرب احتمال، تصرف کاتب است با عنایت به این که کاتب این نسخه از اهالی قندهار است.
 - ۴- «گ» عجمی در همه موارد «ک» آمده است.
 - ۵- «پ» عجمی در بیشتر موارد «ب» آمده است.
 - ۶- گاهی بر روی الف «افاقیا» علامت مد (~) قرار می گیرد.
 - ۷- این نسخه در سراسر متن از رسم الخط واحدی تبعیت نمی کند.
- آغاز: الحمد لله الحكيم والصلوه علي من اوتي الحكمة والكتاب الكريم وهوشفى بلطفه السقيم وانه لعلی خلق

۱- الگود، سریل، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه دکتر طاهر فرقانی، ص ۴۱۲ به نقل از پزشکی درمان در دوره صفویه ص ۷۳-۷۲.

۲- صفاء، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۱۳۶۱، انتشارات فردوسی.

۳- پزشکی و درمان در دوره صفویه، ص ۷۲.

۴- کذا فی الاصل

عظیم وآله الہادیین الی صراط المستقیم، اما بعد پوشیدہ نمائند...

آغاز وانجام این نسخه چنین است:

انجام: به توفیق ایزد تعالی تمت رساله قراپادی مظفرالحسینی الشفایٰ الحکیم بعون الملک رحیم به تاریخ ۱۴ شہر شوال

ختم بالخیر والاقبال سنہ ۱۰۷۴ در دارالقرار قندہار العاقبت^۲ الخیر.

نسخه «م» در تصحیح متن حاضر، نسخه اساس قرار گرفته است.

نسخه «س»: نسخه ای است محفوظ در کتابخانہ مجلس بہ شماره ۱۷۲ سنہ این نسخه در مجموعہ طب- داروشناسی آمدہ

است. ۱۶۹ ورق دارد و بخش قراپادین آن از ورق ۵ تا ۱۳۹ است. خط این نسخه نستعلیق، در ہر صفحہ ۱۲ سطر، تاریخ

کتابت آنروز شنبہ ۲۹ ذیحجہ ۱۰۸۴ در آمل و کاتب آن محمد تقی بن محمد یوسفی لواسانی است.

این نسخه، مدخل ہای زیادی را در قسمت ہای پایانی ندارد.

آغاز: الحمد لله الحکیم العلیم والصلوہ علی من اوتی الحکمہ و...

انجام: تمت الکتاب فی یوم السبت بیست ونہم از ذی حجہ ۱۰۸۴ در بلدہ طیبہ آمل کاتب^۳ الحروف اقل عبادالله

محمد تقی بن محمد یوسفی لواسانی.

نسخه «د»: نسخه ای است محفوظ در کتابخانہ مرکزی دانشگا تہران بہ شماره ۱۰۸۵. این نسخه ۲۱۱ برگ ۱۴ سطری

دارد، بہ خط نسخ کتابت شدہ است و تاریخ کتابت آن روز یکشنبہ غرہ شہر رجب المرجب سنہ ۱۰۸۳ و کاتب آن ابن

علی اصغر دوست محمد است. چہار برگ پایانی این نسخه دربارہ خضاب و معجون و جز آن است.

آغاز نسخه: الحمد لله الحکیم والعلیم والصلوہ علی من اوتی الحکمہ والکتاب الکریم و...

انجام: تم الکتاب بعون الله الحکیم الوہاب فی یوم الاحد غرہ شہر رجب المرجب سنہ ۱۰۸۳ بعد ہجرہ النبویہ المصطفویہ

صلی الله علیہ وآلہ وسلم و کاتبہ اقل خلق الله ابن علی اصغر دوست محمد عفی عنہما بمحمد وآلہ.

نسخه «ا»: نسخه ای است محفوظ در کتابخانہ مرکزی دانشگا تہران بہ شماره ۳۱۵۴. این نسخه ۱۹۲ برگ ۱۴ سطری

دارد، بہ خط نستعلیق کتابت شدہ است و در آغاز وانجام آن ۸ برگی است کہ بہ خط عبری در آن نوشتہ است. در حواشی

متن فارسی نیز در بعضی صفحات، توضیحاتی بہ خط عبری آمدہ است. متن فارسی این نسخه در آغاز دارای سقطاتی

است و ظاہرا نسخه مربوط بہ سده ۱۱ است.

آغاز: سہ درم، سنبل الطیب دہ درم، عسل صاف بہ قدر احتیاج، ادویہ را کوفتہ و بیختہ چنان کہ رسم است بہ عسل معجون

سازند شربتی یک مثقال...

انجام: یا قوتی دیگر نسخه شیخ ابوعلی سینا، مالیخولیا وامراض سوداوی را بہ غایت نافع است و نشاط تمام آورد واعضاء

رئیسہ را قوت دہد. صفت آن: یا قوت رمانی، گاوزبان... بہ قدر احتیاج بہ طریق معهود معجون سازند شربتی یک مثقال بعد

از چہل روز.

نسخه «د» و نسخه «ا» قرابت بسیاری با ہم دارند.

نسخه «ن»: نسخه ای است محفوظ در کتابخانہ مرکزی دانشگا تہران بہ شماره ۳۱۵۵. این نسخه ۱۵۲ برگ ۱۴ سطری

دارد، بہ خط نستعلیق کتابت شدہ است و تاریخ کتابت آن ۱۵ شہر محرم الحرام ۱۰۸۴ در ہرات است. این نسخه قرابت

۱- کذا فی الاصل

۲- کذا فی الاصل

۳- کذا فی الاصل

زیادی با نسخه اساس به خصوص در قسمت های پایانی دارد و با عنایت به این که هر دو نسخه در بلاد افغانستان کنونی کتابت شده اند، احتمالاً از روی نسخه واحدی استنساخ شده اند.

نسخه «دن» نیز مانند نسخه اساس در بیشتر موارد، کلمات «لادن» و «بادرنجوبیه» را به صورت قدیمی «لاذن» و «بادرنجوبیه» می آورد

آغاز: الحمد لله الحكيم العليم والصلوه على من اوتى الحكمة والكتاب الكريم و...

انجام: تمت الكتاب بعون الملك الوهاب وحكيم الرزاق به تاريخ ١٥ شهر محرم الحرام سنة ١٠٨٤ در دارالسلطنة هرات. نسخه ل: نسخه ای محفوظ در کتابخانه ملی به شماره ١٥٣٠٩. این نسخه دارای ٢١٢ برگ ١٤ سطری است. خط آن نستعلیق خوش و تاریخ کتابت آن شهر رجب المرجب ١٠٩٢ است.

در برگ ٣ این نسخه، مهر بیضی شکل به نام «محمد خاتم پیغمبرانست» و مهری اشکی شکل به نام «محمد تقی» آمده است. این نسخه مدخل های بیشتری افزون بر آنچه در سایر نسخ آمده است در حاشیه و متن اصلی دارد.

آغاز: الحمد لله الحكيم العليم والصلوه على من اوتى الحكمة والكتاب الكريم و...

انجام: تمت الكتاب بعون الملك الوهاب في شهر رجب المرجب سنة اثني وتسعين بعد الف من هجرة النبويه - صلى الله عليه وآله اجمعين - على يد العبد الضعيف ابن مختار احمد عفي عنهما.

معرفی اجمالی تعدادی از نسخه های خطی که در تصحیح حاضر از آنها استفاده نشد:

١- نسخه متعلق به کتابخانه ملی به شماره ٢٧٠١ ف. این نسخه تا آنجایی که راقم این سطور تحقیق کرده است، قدیمی ترین نسخه خطی قرابادین حکیم شفاپی است. این نسخه دارای ١٢٥ برگ ١٢ سطری است، خط آن نستعلیق و تاریخ کتابت آن ١٠٢٥ می باشد. سرفصل ها و نام داروها با مرکب قرمز نوشته شده و روی عبارات با مرکب قرمز خط کشی شده.

راقم این سطور در نظر داشت که از نسخه فوق به عنوان نسخه اساس استفاده کند اما مسئولین محترم کتابخانه ملی به علت مندرس بودن نسخه با درخواست وی برای تهیه تصویر عکسی مخالفت کردند و استفاده از آن برای وی مقدور نشد.

آغاز: الحمد لله الحكيم العليم والصلوه على من اوتى الحكمة والكتاب الكريم و...

مدخل آغاز: انوش دارو.

انجام: یاقوتی دیگر... به طریق معهود معجون سازند شربتی یک مثقال بعد از چهل روز.

٢- نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی با شماره ٧٤٨/ف تحت عنوان ادویه طبی. این نسخه ١٤٧ برگ ١٥ سطری به خط شکسته نستعلیق دارد و احتمالاً در قرن ١٣ استنساخ شده است.

آغاز: الحمد لله الحكيم العليم والصلوة على من اوتى الكتاب والحكمة والكريم و...

مدخل آغاز: انوش دارو.

انجام: صفت شربت اسطوخودوس این است اسطوخودوس ده مثقال، عود الصلیب، بادیان پنج مثقال.

٣- نسخه متعلق به کتابخانه ملی به شماره ١١٠٩ ف. این نسخه دارای ١٣٣ برگ ١٧ سطری به خط نسخ خوش است، قطع آن وزیری و احتمالاً در قرن ١٣ استنساخ شده است.

این نسخه دارای خط خوردگی هایی است که ترمیم شده است.

آغاز: الحمد لله الحكيم العليم...

مدخل آغاز: انوش دارو لؤلؤئی

مدخل پایان: یا قوتی معتدل.

۴- نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی به شماره ۳۰۶۷ ف. این نسخه دارای ۱۱۹ برگ ۱۹ سطری به خط نسخ است و محتملا در قرن ۱۳ کتابت شده است.

۵- نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی به شماره ۴۹۵۵/۱. این نسخه دارای ۴۸ برگ ۳۰-۲۵ سطری به خط نستعلیق بد است.

۶- نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی به شماره ۳۰۶۷ ف. این نسخه دارای ۱۱۹ برگ ۱۹ سطری به خط نسخ است و تاریخ تحریر آن محتملا قرن ۱۳ است.

۷- نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی به شماره ۵۲۱۹/۱. این نسخه دارای ۶۳ برگ ۲۷ سطری به خط نستعلیق در قطع رحلی است و از برگ ۵۹ تا ۶۱ آن سفید است.

این نسخه همان طور که در آغاز آن آمده در تاریخ ۱۲۷۱ در بلده خرم آباد استنساخ شده است.

۸- نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۲۶۴. این نسخه به خط نستعلیق و تاریخ تحریر آن ۱۱۲۸ است.

۹- نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۴۰۳. این نسخه به خط نسخ و تاریخ تحریر آن ۱۲۲۶ است.

۱۰- نسخه خطی کلیات حکیم شفاپی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۰۴۸/۱. این نسخه دارای ۷۲ برگ به خط نستعلیق است. کاتب آن محمد صالح بن حاجی محمد علی طبسی گیلکی و تاریخ تحریر آن ذکر نشده است.

۱۱- نسخه خطی متعلق به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۶۳۴. این نسخه دارای ۱۶۲ برگ ۱۲ سطری است و تاریخ تحریر آن ذکر نشده است.

۱۲- نسخه خطی متعلق به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی به شماره ۱۸۳۰. این نسخه دارای ۹۸ برگ ۲۰ سطری است. خط این نسخه نسخ و تاریخ تحریر آن ۱۲۳۰ است.

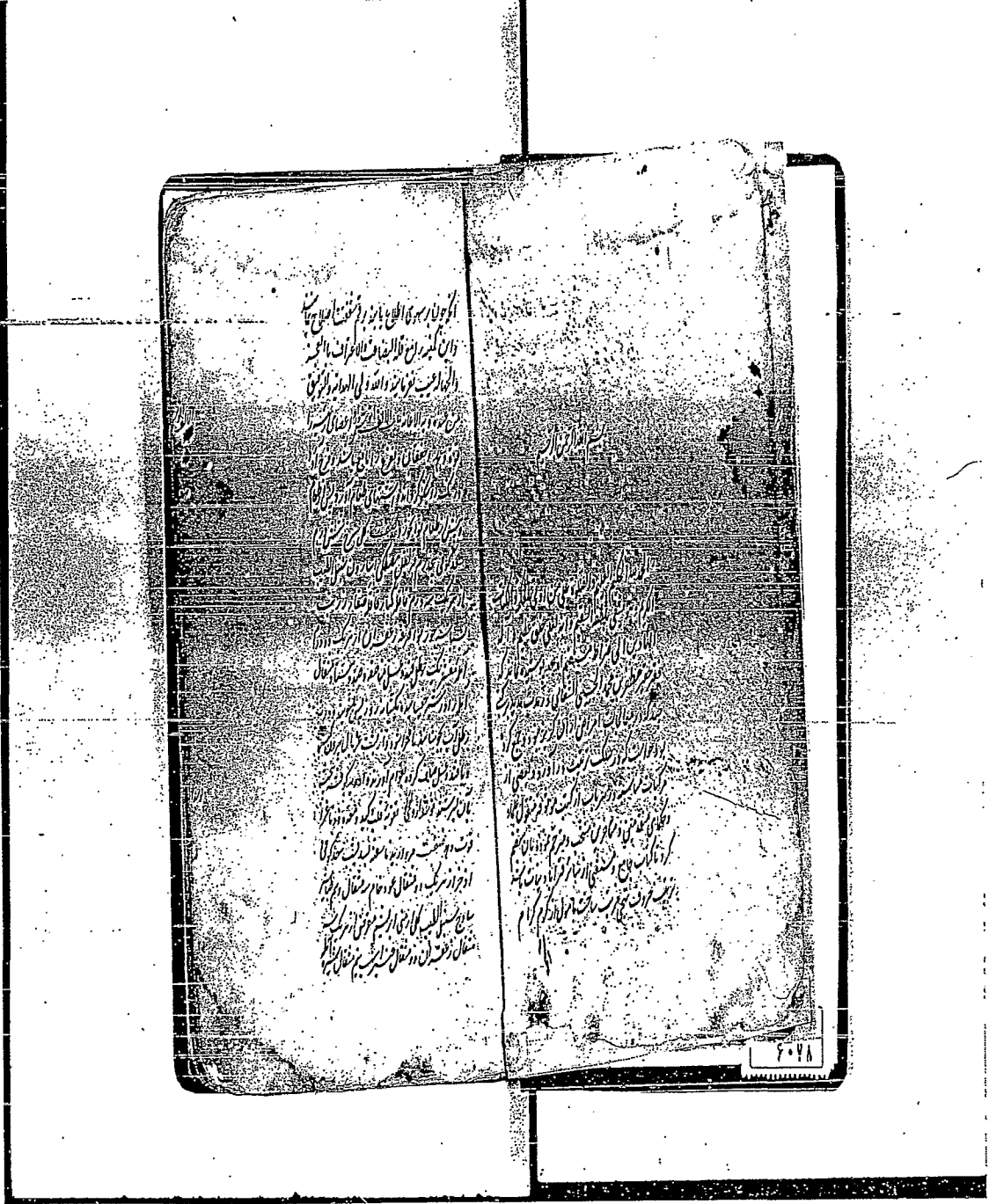
۱۳- چاپ سنگی کتاب قرابادین شفاپی به سال ۱۳۰۲ در دهلی در قطع رقعی در ۲۸۴ صفحه.

«روش تصحیح»

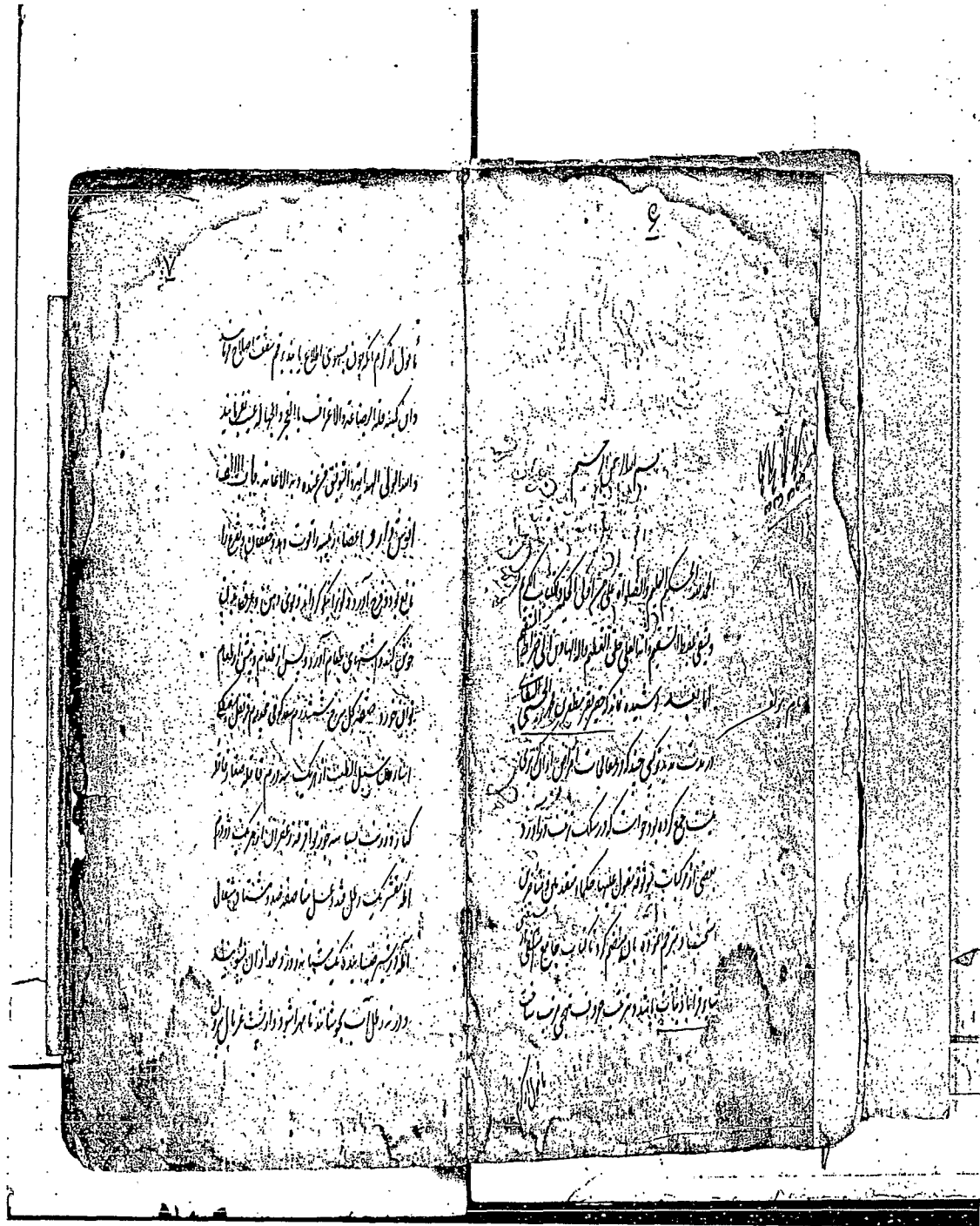
در تصحیح قرابادین حکیم شفاپی؛ نسخه «م» را که قدیمی ترین نسخه - تا آنجایی که من بنده تحقیق کرده ام - بعد از نسخه شماره ۲۷۰۱ کتابخانه ملی است اساس قرار داده و از سایر نسخ به خصوص نسخه «د» و «دن» به عنوان نسخه بدل استفاده شد. اختلاف نسخه ها به همراه توضیحات ضروری در حاشیه نقل گردید. در رعایت جانب امانت در حد بضاعت مزجاة نگارنده از هیچ دقتی فروگذار نشد و از تصحیح قیاسی و ذوقی مگر در مواردی که چاره ای نبود اجتناب شد. در انتخاب رسم الخط برای متن حاضر از رسم الخط امروزی تبعیت شد و در آخر پایان نامه فرهنگ مختصری از نوادرات اللغات به زعم نگارنده ترتیب داده شد تا گره گشای دشواری های متن باشد.

نکته ای که ذکر آن در پایان این مقدمه واجب است ادای احترام و سپاس راقم این سطور به اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی آقایان دکتر صفاری، دکتر سمیع زاده، دکتر برزگز خالقی، دکتر انصاری، دکتر قافله باشی، دکتر سلطان؛ دکتر کسای، دکتر آذر مینا، دکتر محمدی و دکتر سرداگی است که خوشه چین معرفت آنها بوده ام به خصوص دکتر صفاری و دکتر سمیع زاده که راهنمایی و مشاوره این پایان نامه را نیز بر عهده داشتند.

خدایا عاقبت محمود گردان



صفحه اول نسخه اساس «م» مورخ ۱۰۷۴ هـ. ق. محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۶۰۷۷/۱



صفحه اول نسخه «س» مورخ ۱۰۸۴ هـ. ق. محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ستای سابق) به شماره ۱۷۲ س

